

۲۴۲۳۳۳۸

عدل الهی

از دیدگاه امام خمینی (س)

www.ketab.ir

تبیان
آثار موضوعی
دفتر هفدهم

خمینی، روح‌الله، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، ۱۲۷۹-۱۳۶۸. عدل الهی از دیدگاه امام خمینی(س) / [ویرایش ۲]. - تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(س)، ۱۳۷۸. ۲۷۰ ص. - (تبیان: آثار موضوعی؛ دفتر هفدهم)

ISBN: 978 - 964 - 335 - 039 - 0

فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

کتابنامه: ص ۲۵۷ - ۲۷۰؛ همچنین به صورت زیرنویس.

۱. خمینی، روح‌الله، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، ۱۲۷۹-۱۳۶۸. - پیامها و سخنرانیها. ۲. خمینی، روح‌الله، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، ۱۲۷۹-۱۳۶۸. - نظریه درباره عدل الهی. الف. مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(س)، گروه معارف اسلامی. ب. عنوان.

۹۵۵ / ۰۸۴۲۰۹۲

م ۷۸ - ۱۰۳۳۲

DSR ۱۵۷۴ / ۵ / ع ۳۶ ع ۴

کتابخانه ملی ایران

کد / م ۵۶۸



عدل الهی از دیدگاه امام خمینی(س) - تبیان: آثار موضوعی (دفتر هفدهم)

تحقیق و نشر: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(س)

چاپ و صحافی: مؤسسه چاپ و نشر عروج

چاپ ششم: ۱۴۰۳ / ۵۰۰ نسخه

قیمت:



• خیابان انقلاب، بین ۱۲ فروردین و فخر رازی، فروشگاه مرکزی، تلفن: ۶۶۴۰۴۸۷۳ - دورنگار: ۶۶۴۰۰۹۱۵

• خیابان انقلاب، تقاطع حافظ، فروشگاه شماره ۱، تلفن: ۶۶۷۰۱۲۹۷

• مراکز پخش: خیابان انقلاب، خیابان ۱۲ فروردین، خیابان شهدای ژاندارمری، فروشگاه شماره ۲، تلفن: ۶۶۹۵۵۷۳۷

• حرم مطهر حضرت امام خمینی(س)، ضلع شمالی، فروشگاه شماره ۳، تلفن: ۵۵۲۰۳۸۰۱

• کلیه نمایندگیهای فروش در استانها

نشانی الکترونیکی: pub@imam-khomeini.ir

فهرست

صفحه	عنوان
الف - بد	مقدمه

بخش اول: مباحث کلامی و ایمانی عدل

۳	فصل اول: عدل در ادیان الهی
۱۳	فصل دوم: جبر و تفویض
۱۳	معانی جبر و تفویض
۲۰	ردّ مذاهب جبر و تفویض
۲۸	اختیار و آزادی انسان
۳۹	فصل سوم: امر بین الامرین
۶۱	فصل چهارم: قضا و قدر
۶۷	فصل پنجم: سعادت و شقاوت
۶۷	بیان حقیقت سعادت و شقاوت
۷۱	معانی سعادت و شقاوت
۸۰	سعادت و شقاوت در اختیار انسان
۸۵	منشأ اختلاف نفوس در گرایش به خیر و شر

۸۷	علل اختلافات خلقی و خلقی انسانها
۹۵	تأثیر طینت انسان در سعادت و شقاوت
۱۰۵	سعادت و شقاوت عقلانی
۱۱۳	فصل ششم: غایت و حکمت در فعل خداوند

بخش دوم: شبهات پیرامون عدل الهی

۱۲۷	فصل اول: وجود شرور و نواقص و بلایا در جهان
۱۲۷	ماهیت خیر و شر و چگونگی جعل آن
۱۳۰	کیفیت جریان خیر و شر به دست بندگان
۱۳۲	شبهه ثنویه
۱۴۰	شرح حدیثی در باب مخلوق بودن خیر و شر
۱۴۳	تعلق علم و اراده حق به تمامی متعلقات
۱۴۸	مصائب و بلایا
۱۵۹	فصل دوم: خلق مرگ در کنار سعادت
۱۶۳	فصل سوم: تناسب ثواب و عقاب الهی با اعمال بندگان
۱۸۹	فصل چهارم: شفاعت و عدالت
۱۸۹	حقیقت شفاعت شافعان
۱۹۱	شبهات پیرامون شفاعت و جواب آن
۱۹۴	شفاعت در آخرت
۲۰۲	موانع شفاعت
۲۰۴	شفاعت جلوه رحمت حق تعالی
۲۰۷	فصل پنجم: توبه
۲۰۷	توبه و اجرای عدالت در پاداش و کیفر اعمال
۲۰۸	ارکان و شرایط توبه
۲۱۷	فصل ششم: حبّ و بغض اهل بیت (ع)
۲۱۷	تأثیر حبّ و بغض اهل بیت (ع) در ردّ و پذیرش اعمال
۲۱۹	بررسی روایات معارض پیرامون اعمال

۲۳۰	ارتباط ولایت با اعمال
۲۳۳	فهارس
۲۳۵	فهرست تفصیلی
۲۴۹	فهرست آیات
۲۵۳	فهرست روایات
۲۵۷	فهرست مأخذ
۲۶۵	فهرست منابع

www.ketab.ir

مقدمه

بحث «عدل» و مباحث پیوسته به آن از اهمیت و جایگاه والایی در معارف الهی برخوردار بوده و بیان‌کننده رابطه حق با جهان و انسان است.

ادیان توحیدی، ساحت پروردگار را از ظلم و جور برکنار می‌دانند و او را «عدل مطلق» و رسولانش را منادیان عدالت می‌شمارند. خداوند با پیام وحی، بشر را به استقرار عدالت در جامعه و در نفس خود، دعوت می‌کند. هدف بعثت و موعود نهایی ادیان و عطیه گرانقدر حق، «گسترش و حاکمیت عدل» است. و جهان آخرت برای برپایی عدالت تام و تمام بنا نهاده شده است، آنچه را که ظرف دنیا گنجایش آن را ندارد.

ذات باری تعالی که رحمان و رحیم و حکیم مطلق و فیاض علی‌الاطلاق است، نظام تکوین را نیز بر محور «عدالت» انشا نموده است، به این معنا که استحقاقهای یک موجود برای دریافت وجود یا کمالات وجود را به او عطا فرموده و همه ذات هستی در بهره‌مندی از این افاضه خداوندی یکسان و برابر باشند.

اثبات عدالت تکوینی و تشریحی و نفی ظلم و جور از ساحت ذات مقدس حق در مجموعه‌ای که در پیش‌رو دارید از دو راه پی‌گیری شده است:

- ۱- استنتاج عدل الهی از برخی مباحث کلامی و فلسفی؛
 - ۲- اثبات عدل الهی از راه پاسخ به شبهات و اشکالات پیرامون آن.
- برخی مباحث کلامی-فلسفی نظیر: جبر و اختیار، قضا و قدر، سعادت و شقاوت، خلق طینت و وجود غایت و حکمت در فعل خداوند، ارتباط تنگاتنگی با بحث عدل الهی

دارند.^۱

این دسته از مباحث بر عدل تکوینی خداوند تصریح و تأکید دارند، و خواننده را بر نحوه حاکمیت و جریان عدالت از ناحیه خداوند به هنگام ایجاد و خلق دلالت می‌نمایند. در کلام امام عدل بر سراسر هستی حاکم است و جلوه‌های عدالت در ابعاد گوناگون مطرح می‌شود.^۲

عدالت در سه زمینه مطلوب و مورد نظر است:

الف. عدالت در روابط انسانها با یکدیگر (عدل اجتماعی):

ب. عدالت در وجود انسان؛

ج. عدالت در رابطه (تکوینی و تشریحی) میان خدا با انسان.

در دیدگاه امام برقراری عدالت اجتماعی (قسط) از مهمترین وظایف انبیای الهی است که از طریق اجرای احکام و تشکیل حکومت به وسیله نبی یا پیروانش اعمال می‌گردد. اما اقامه عدل در جامعه‌ای که سیره مستمره انبیا بوده، مقدمه و وسیله رسیدن به مرتبه والاتر عدل، یعنی استقرار عدالت در سراسر وجود انسان است. ایجاد عدالت در وجود انسان، یعنی ساختن انسانی که عقل و نفس و ظاهر و باطن و عقاید و اخلاقش بر صراط مستقیم و حد اعتدال باشد، و این است عدالت موعود اسلام که به خواست خداوند به دست ولی عصر (عج) به طور کامل برپا می‌گردد.^۳

اثبات عدالت در تکوین و تشریح منوط به روشن شدن چند بحث مقدماتی است که به منزله ستونهای بحث عدلند. ابتدا باید دید که آیا بشر از روی اختیار و بر طبق اراده خود قادر بر انجام عملی هست یا او موجودی مسلوب الاراده و مضطر است؛ و آیا می‌توان برای موجود مضطر تکلیف مقرر کرد و برای او ثواب و عقاب و عدالت در آن را

۱. ذکر این نکته ضروری است که این مباحث به طور مستقل و خارج از حوزه عدل الهی نیز قابل بررسی‌اند و ملاحظه آنها به عنوان حلقه‌ای از زنجیره ادله «عدل الهی» فرع بر ملاحظه استقلال هر یک است. در اینجا تصویری از آرای حضرت امام در عنوانهای مذکور را ارائه کرده‌ایم، ولی به مناسبت عنوان و هدف مجموعه از خواننده می‌خواهیم که به حلقه‌های ربط‌دهنده هر مطلب با «عدل الهی» توجه داشته باشد و با در نظر گرفتن اتصالات و روابط، نقش این عنوانها را در مبحث عدل دریابد.

۲. - ص ۳.

۳. - ص ۱۱.

بر شمرد. حضرت امام در این بحث به اثبات حقیقت «امر بین الامرین» پرداخته‌اند و با رد جبر و تفویض مستحیل و اثبات اختیار و اراده انسان، وجه جمع میان نفوذ تام اراده و مشیت حق را با فاعل مختار بودن انسان بیان می‌کنند: «منزلت ایجاد، مثل [منزلت] وجود و اوصاف وجود است، چنانچه موجودات موجودند و مستقل در وجود نیستند؛ و اوصاف برای آنها ثابت است و مستقل در آن نیستند، آثار و افعال برای آنها ثابت و از آنها صادر است؛ ولی غیر مستقل در وجودند، و فواعل و موجوداتی غیر مستقل در فاعلیت و ایجادند.» سپس در شرح حدیث «یا بن آدم بمشیتی کنت انت الذی تشاء لنفسک ما تشاء...» می‌افزایند: «در این حدیث شریف اشاره واضح به مسأله جبر و تفویض نموده، و مذهب حق را که «امر بین الامرین» است مطابق مسلک اهل معرفت و طریقه اصحاب قلوب ذکر فرموده است؛ زیرا که هم اثبات مشیت و اتیان و قوت برای بنده نموده، و هم آنها را به مشیت حق دانسته و فرموده است: «تو مشیت کردی و به مشیت من مشیت تو ظاهر است؛ تو اتیان فریضه نمودی، و قوه تو ظاهر است؛ و به نعمت من که بسط رحمت و اسعه است قوه تو بر معصیت حاصل شد. پس از تو سلب نمی‌شود افعال و اوصاف و موجودات مطلقاً، چنانچه اثبات مطلق نیز نشود؛ تو مشیت نکردی [و مشیت تو فانی در مشیت من و ظهور و تعین آن است و به قوه خود تقویت بر طاعت و معصیت داری، و با این حال، قوت و قدرت تو ظهور قدرت و قوت من است.

و اما منافاتی که در بدو امر میان «نفوذ مشیت و اراده ازلیه حق و قضای سابق لایتخلف او» با «اعمال اراده و اختیار از جانب انسان» به نظر می‌رسد نیز مردود و متفی است؛ زیرا علم و اراده حق، بر ترتیب علی و معلولی به نظام وجود تعلق می‌گیرد و تعلق آن به معلول در عرض تعلقش به علت و یا بلاواسطه، نمی‌باشد تا گفته شود که فاعل در فعل خود مضطر است اگر کسی کیفیت [ابطاع] سببی و مسببی موجودات با حق تعالی را بشناسد خواهد دانست که موجودات در عین این که ظهور او هستند دارای آثار خاصه نیز می‌باشند و انسان نیز با این که خود فاعل مختار است ظل آن فاعل مختار و ظل فاعلیت او - تبارک و تعالی - است. بالنتیجه، میان تعلق اراده حق تعالی به نظام اتم و فاعل مختار بودن انسان منافاتی نیست.»

از مباحث مهم و ریشه‌ای مبحث عدل، «قضا و قدر» است، با روشن شدن این مطلب که آیا «قضا و قدر» برای هر کس سرنوشت محتوم رقم زده و یا اینکه امکان تغییر در قضا و دگرگونی در تقدیر وجود دارد، و با بیان رابطه قضا و قدر با جبر و اختیار و سعادت و شقاوت ذاتی، معلوم می‌شود که آیا می‌توان حاکمیت عادلانه حق را بر انسان صحه گذاشت یا نه؟

در این مقام، حضرت امام قضا و قدر را دارای مراتب مختلف می‌دانند و احکام هر مرتبه را اشاره می‌کنند و قضا یحتم لایتبدل و تقدیر محتوم لایتغیر را مربوط به عالم اعیان و نشأه علمیه می‌دانند. ایشان معتقدند که تغییر در قضا، امری ممکن الوقوع، بلکه واقع شدنی است و محل وقوع این تغییر «لوح قدر عینی یا عالم طبیعت» است. البته در اینجا تفاوت میان نظر امام با رأی حکما معلوم می‌شود؛ زیرا آنان تغییر در قضا را مربوط به «لوح قدر علمی یا عالم مثال» می‌دانند.

در همین جا حضرت امام به نقل از امام علی (ع) «کامل» و امام هر عصر در تغییر قضا و قدر اشاره کرده می‌فرمایند: «مانعی ندارد که چون یلیة القدر، لیلة توجه تام ولی کامل و ظهور سلطنت ملکوتیه اوست به توسط نفس شریف ولی کامل عالم هر عصر و قطب هر زمان که امروز حضرت بقیة الله فی الارضین سیدنا و مولانا حجة بن الحسن العسکری [ارواحنا له الفداه] است، تغییرات و تبدیلات در عالم طبع واقع شود پس هر یک از جزئیات را بخواهد بطیء الحركة کند و هر یک را خواهد سریع کند و هر رزقی را خواهد توسعه دهد و هر یک را خواهد تضییق کند...».

سعادت و شقاوت و خلق طینت از ناحیه خداوند، هم جهت با مباحث سابق الذکر در روشن شدن «عدل الهی» دخیل است؛ حضرت امام هماهنگ با دیدگاههای مطرح شده در باب جبر و اختیار و قضا و قدر بر سعید یا شقی خلق شدن انسانها و سرشته شدن ذات و طینت ایشان بدون دخالت اراده و اختیار و اکتساب و عمل خط بطلان می‌کشند و در عین تأیید اثر وضعی عوامل انسانی و غیرانسانی خارج از حیطة کسب و اراده بر سرشت و سرنوشت هر فرد که زمینه‌های مثبت یا منفی سعادت و شقاوت آینده او را ایجاد و فراهم می‌کند، معتقدند که این عوامل هرگز انسان را به حد الجا و اضطرار نمی‌رسانند و

عامل اصلی و تعیین‌کننده نهایی در این مورد «ازاده و اختیار» است.

امام با مقدمه قرار دادن چند اصل فلسفی به ترتیب زیر، مطلوب را اثبات می‌کنند:

- ۱- مناط نیاز به علت امکان است (نه وجوب یا امتناع).
- ۲- وجود عوارض و اوصاف آن ذاتی ماهیات امکانیه نیستند و هر چه از سنخ وجود است به جز ذات واجب‌الوجود، معلل می‌باشد و مراد از ذاتی در مورد ماهیات ممکنه امری است که انفکاک آن از ذات موجود غیرممکن باشد اعم از اینکه جزء ذات باشد یا خارج آن، که این شامل ماهیت و لوازم و اجزاء آن است نه وجود و اوصاف و عوارضش.
- ۳- ماهیت، علت و منشأ اثر نیست، بلکه تأثیر و تأثر از ناحیه وجود است و بس.
- ۴- جمیع کمالات به وجود برمی‌گردد.

سعدت از سنخ وجود و کمال وجود، بلکه مساوق وجود می‌باشد. به طوری که اتم و اکمل وجودات خیر مطلق و خیرات و سعید مطلق و مبدأ جمیع سعادت‌هاست و هر چه موجود از مبدأ وجود دورتر باشد، اعدام و تعینات هم آغوش [تر] شود از خیر و سعادت دورتر است.

عرق شقاوت بر دو قسم است: الف) شقاوتی که به عدم و نقصان برمی‌گردد و مقابل وجود و کمال وجود است. ب) شقاوت کسبی که حاصل جهل و مرکب و اخلاق و عقاید فاسد است. این قسم از شقاوت از امور وجودی است حال با استناد به مقدمات مذکور می‌گویند: سعادت به طور مطلق و شقاوت به معنای دوم از امور ذاتی غیرمعلل به حساب نمی‌آیند، بلکه تنها ماهیت و لوازم آن متصف به چنین وصفی می‌شوند و «وجود» به هر نحو که باشد ذاتی ممکنات نخواهد بود و مبدأ سعادت عقاید حقه و اخلاق فاضله و اعمال صالحه است و مبدأ شقاوت عقاید باطله و اخلاق و اعمال ناصالح.

امام در تکمیل این نظر در شرح حدیث شریف السعید سعید فی بطن امه و الشقی شقی فی بطن امه مراد از «بطن ام» را عالم طبیعت دانسته و گفته‌اند: «در حدیث شریف که سعادت و شقاوت را در بطن می‌داند، مقصود از بطن ام، مطلق «عالم طبیعت» است که ام مطلق و مشیمه تربیت اطفال طبیعت است و نتوان بطن ام را عبارت از معنای عرفی خود دانست، زیرا سعادت چون از کمالات و فعلیات است، از برای نفوس هیولویه حاصل نیست مگر

بالقوه و ظاهر آن است که سعید در بطن أم بالفعل سعید است، پس باید ارتکاب خلاف ظاهر نمود و چون آنچه ذکر شد مطابق با براهین است، متعین است حمل این حدیث شریف بر آن یا بر چیزی که به آن برگردد.»

وجود غایت و حکمت در افعال باری تعالی آخرین عنوان مورد بحث این بخش است.

فعل حکیمانه چگونه فعلی است و غایت داشتن افعال خداوند به چه معناست؟ غایت افعال حق به ذات او بر می‌گردد یا به غیر دانش؟ و اساساً آیا سخن گفتن از حکمت و غایت فعل حق، ناشی از قیاس گرفتن خالق به مخلوق نیست؟

امام در بیان غایتمندی فعل حق در عین تأکید بر وجود غایت «نفع عاید به ذات» یا «نفع عاید به مخلوقات» را غرض فعل خدا نمی‌دانند، بلکه این نظر را که «ظهور و تجلی ذات و حب معروفیت» غایت باری تعالی شمرده می‌شود، انتخاب می‌کنند و می‌فرمایند: «در فعل حق غایت و غرضی جز ذات مقدس و تجلیات ذاتیه نیست و خداوند در ایجاد اشیا جز ظهور و تجلی ذات خود هدف و غرض دیگری ندارد.»

غایت غیر ذات هر چه باشد ولو ایصال نفع به غیر یا عبادت و حمد و ثنای ذات فاعل چون وجود آن برای فاعل اولای از عدم آن است و موجود و غایت و متکمل به آن خواهد بود؛ و چون این امر مستلزم نقص و قصور و انتفاع می‌باشد لذا بر ذات کامل علی‌الاطلاق و واجب من جمیع الجهات محال است.

بخش دوم: بررسی شبهات وارده بر عدل الهی می‌باشد یکی از قدیمیترین و بحث‌انگیزترین این شبهات، شبهه وجود نواقص و شرور و مصایب و بلاها در عالم است که حضرت امام جهت ارائه پاسخ آن بر مشرب حکمای متأله به تبیین حقیقت خیر و شر و کیفیت تعلق جعل به آن دو؛ تقسیم شرور به شر بالذات (که اموری عدمی‌اند) و شر بالعرض؛ انتساب خیرات به حق تعالی و شرور و نواقص به مخلوقات و بیان وجه جمع آن با انتساب جمیع افعال به خداوند و... می‌پردازند. در بحث عدم انتساب شرور به ذات حق، سؤالی مطرح می‌شود به این صورت که اگر اراده خداوند به شرور تعلق نگیرد، لازم می‌آید که اراده و علم حق هم نباشند، چرا که خداوند همه چیز را می‌داند؛ ولی شر و

ظلم و قبايح را اراده نمی‌کند، بلکه اراده‌اش فقط به خیرات تعلق می‌گیرد، یعنی فقط علم او به همه چیز تعلق می‌گیرد نه اراده‌اش، پس علم او غیر از اراده‌اش خواهد بود و چون علم حق عین ذاتش است، اراده‌اش غیرذات خواهد بود در نتیجه خداوند عالم است به علم ذاتی و مرید است؛ ولی نه به اراده ذاتی.

فلاسفه در پاسخی که به این سؤال می‌دهند «علم و اراده متعلق به خیرات» را با صفات «سمیع و بصیر» مقایسه می‌کنند و می‌گویند: سمیع و بصیر هر دو عین ذات حقند با اینکه متعلق به مسموعات و مبصراتند. مسموعات شامل مبصرات نیست و مبصرات مسموعات را در بر نمی‌گیرد؛ ولی با این حال هیچ یک از این دو وصف، غیرذات حق محسوب نمی‌شوند، پس ذات حق عالم به جمیع معلومات، سمیع به جمیع مسموعات، و بصیر به جمیع مبصرات است. به همین ترتیب اراده حق، با اینکه فقط به خیرات تعلق می‌گیرد عین ذات اوست.

حضرت امام اشکال مذکور را به تکرار پاسخی می‌دهند. ایشان می‌گویند: «علمی که عین ذات حق است و کشف تفصیلی در علم بساطت و وحدت است، عبارت است از کشف «وجود بما هو وجود بالذات» و شرور و نقصان که به عدم باز می‌گردند، بالذات متعلق علم ذاتی حق نیستند و سبب این امر نقص خود آنهاست، نه نقصان علم حق علم حق تنها بالعرض و بالتبع به شرور و نواقص تعلق می‌گیرد و تعلق «اراده» به آنها نیز به همین ترتیب است؛ یعنی تعلق ذاتی یا عرضی اراده به چیزی، بعینه مانند تعلق علم به آن است و به هر چه که علم بالذات تعلق گیرد، اراده نیز بالذات تعلق می‌گیرد و اگر تعلق علم به آن بالعرض بود تعلق اراده نیز بالعرض خواهد بود.»

یکی دیگر از شبهات مهم در باب عدل الهی، بررسی تناسب ثواب و [عقابهای] اخروی با اعمال دنیوی می‌باشد. مستشکل معتقد است که با توجه به متون دینی، پاداشها و ثوابهای اخروی وعده داده شده تناسبی با اعمال دنیوی ندارند، گاه در برابر اعمال بسیار کوچک ثوابهای بسیار بزرگ عطا می‌شود؛ و در برابر اعمال به ظاهر یکسان پاداشهای متفاوت داده می‌شود. در پاسخ اشکال می‌گویند: اساساً بنای عالم آخرت بر «تفضل و کرم» نهاده شده است نه بر توازن و برابری میان اجر و پاداش با عمل، اگر در

آخرت «توازن و برابری» ملاک باشد، دامنه اشکال مذکور تنها به برخی اعمال محدود نمی شود، بلکه در این صورت باید اذعان کرد در جمیع موارد، عظمت پاداش در مقابل اصل عمل چشمگیر و غیرقابل قیاس است به علاوه در جایگاه تفضل و کرم سخن از عدم مراعات توازن و تناسب عبث و بی معناست.

نکته مهم دیگر اینکه اگر چیزی در این عالم به نظر ما کوچک آمد نباید نتیجه گرفت که صورت غیبیه ملکوتیه آن نیز حقیر و ناچیز است چه بسا موجودی در دنیا کوچک باشد، در حالی که ملکوت و باطن او در کمال عظمت و بزرگی است. چنانچه صورت جسمانی پیامبر اکرم - صلوات الله علیه و علی آله - یکی از موجودات کوچک عالم بود؛ ولی روح مقدسش محیط به جمیع ملک و ملکوت و واسطه ایجاد هستی بود. اصولاً حکم به بزرگی یا کوچکی چیزی به حسب صورت باطنی ملکوتی فرع بر علم به عالم ملکوت و بواطن اشیا است و این علمی است که دست بشر جز معصومین - علیهم السلام - از آن کوتاه است.

به علاوه احاطه بر جمیع جوانب یعنی آثار، عواقب، ثمرات و نتایج حاصل از آن در طول زمان، امری بعید بلکه قریب به ممکن است، و تنها خداست که می تواند بر تمامی ابعاد یک عمل احاطه و آگاهی داشته باشد، پس عملی که حکم کرد که چون فلان عمل به نظر کوچک است و پاداش وعده داده شده به آن عظیم، تناسب و عدالت لازمه مراعات نشده است.

اما در پاسخ به اشکال بعد، یعنی عدم مراعات عدالت از سوی خداوند به سبب اعطای ثواب و پاداشهای مختلف به اعمال یکسان، باید به نکات زیر توجه نمود:

در آخرت، باطن و ملکوت عمل نیز ملحوظ و منظور است نه فقط صورت و ظاهر آن، اعمال به ظاهر مشابه و یکسان به سبب دخالت برخی عوامل دارای صور ملکوتی متفاوتی می شوند و اساس این تفاوت به تفاوت فاعل و مبدأ صدور فعل برمی گردد. سنخ افعال با هم متفاوت می باشد، مثلاً سنخ فعلی که از اولیا صادر می شوند با فعلی که از ما صادر می شود فرق دارد و این امر به دلیل تفاوت در فاعل و مبدأ صدور فعل می باشد، یعنی جهت ترتب ثواب بر یک عمل، علاوه بر حسن فعلی به حسن فاعلی نیز باید توجه

داشت. حضرت امام محور تفاوتها در مبادی صدور فعل را چند مورد زیر برمی شمردند: تفاوت از ناحیه نیت؛ نیت خالص در حین عمل موجب حسن و کمال عمل و عامل قبول شدن آن است؛ حفظ خلوص نیت پس از انجام عمل، سبب حفظ و ابقای عمل مقبول می باشد.

خشیت از حق؛ خشیت از حق از عوامل دخیل در اصابت اعمال و حسن و کمال آنهاست. خشیت از حق عامل ایجاد تقواست و تقوا از موجبات قبولی اعمال، چنانچه خداوند می فرماید: *انما يتقبل الله من المتقين*. عمل واحد از انسانهای مختلف صادر می شود، لکن فقط عمل متقین «مقبول» واقع می گردد و ثواب بر آن مترتب می شود.

ولایت اهل بیت؛ از جمله ضروریات مذهب شیعه است که ولایت اهل بیت - علیهم السلام - شرط قبولی اعمال است. عمل بی ولایت، اگرچه صحیح باشد، مقبول نیست و لذا آثار و ثمرات خود را برای انسان عادل؛ ولی بی ولایت به تمامه ظاهر نخواهد کرد.

عمل «مقبول» و «عمل صحیح» متفاوت از یکدیگر است. شرایط قبول و حسن و کمال عمل با شرایط صحت آن فرق دارد. اعتراض بر یکسان نبودن با ایشها با وجود مشابهت اعمال زمانی وارد و بجاست که اطمینان داشته باشیم علاوه بر یکسانی شرایط صحت در تمامی این اعمال، میزان مقبولیت همه آنها نیز یکسان بوده است، لکن در صورت اختلاف در کمال و حسن عمل و در نتیجه تفاوت میزان مقبولیت آن ادعای مشابهت مردود، در نتیجه تقاضای برابری در پاداش نیز متفی خواهد بود.

عمل علاوه بر علت موجد به علت مبقیه نیز نیازمند خواهد بود و ابقای عمل تا زمان پاداش [یا کیفر دادن] از جمله عواملی است که جهت رفع شبهه مورد بحث باید بدان توجه نمود. اعمال باید پس از دارا بودن شرایط صحت و کمال و مقبولیت بتوانند تا قیامت نیز باقی و محفوظ بمانند چرا که اعمال پس از صدور، گاه دچار آفاتی می شوند که به سبب آنها به عالم آخرت منتقل نمی شوند و لذا پاداشی هم در بر نخواهند داشت. «حبط و محو» و «تبدیل و تغییر» اعمال از جمله آفاتی هستند که همچون رهنان در میانه راه حاصل تلاش انسان را به یغما می برند و او را علی رغم پندار خویش دست خالی روانه

دیوار ابدی می‌کنند.

اشکال دیگر، در باب شفاعت است. شفاعت از امور مسلم و قطعی در اسلام است. آیا می‌توان پذیرفت که خدا عادل باشد؛ اما امتی را برگزیند و به واسطه درخواست خاصان خود به سهولت از آنان درگذرد و مواهب و عطایای خود را بر آنان ارزانی بدارد، لکن با انسانهای دیگر با دقت و حدت عمل نماید و وساطت و تقاضای عفو در مورد آنان را نپذیرد؟

امام برای پاسخ به این اشکال ابتدا معنای صحیح شفاعت را بیان می‌کند تا بدین وسیله، بسیاری از بدفهمیها را در باب شفاعت رفع نمایند: شفاعت از شفیع به معنی «جفت شدن» است؛ نور ولایت عظمای ولی خدا با نور عبد مؤمن جفت می‌شود و او را به سمت خود می‌برد. روشن است که باید میان شافع و مشفوع سنخیتی وجود داشته باشد تا تزویج و جفت شدن نورها مصداق و معنا پیدا کند، شفاعت شفعا بدون تناسب و تجاذب باطنی و از روی گزار باطنی روی نمی‌دهد و قطعاً باید ارتباط معنوی و روحی و اخلاقی میان مشفوع و شافع برقرار باشد تا شفاعت ثمربخش شود. امور آخرت، اعتباری و قراردادی نیست تا با تقاضای گروهی در باطن صرف نظر بشود؛ بلکه اموری حقیقی است و تا استحقاق حقیقی عقوبت از میان نرود، باطن خواهد ماند و شفاعت نیز مانند سكرات موت و فشار قبر و... بتدریج استحقاق حقیقی و ذاتی عقوبت را از بین می‌برد.

شفاعت از تجلیات اخروی رحمت است، این رحمت در دنیا به صورت «هدایت» و در آخرت به صورت «شفاعت» تجلی می‌کند. واقع هدایت و شفاعت دو روی یک سکه، و ظاهر و باطن یک حقیقتند، هدایت رحمت خداست در جهان هدایت‌پذیری و عمل، و شفاعت رحمت اوست در سرای حسابرسی و مغفرت. توجه به رابطه مستقیم شفاعت در آخرت با هدایت در دنیا روشن می‌سازد که میان اجرای عدالت و پذیرش شفاعت منافاتی نیست؛ چرا که شفاعت باطن هدایت و صورت اخروی آن و تجلی رحمت پروردگار در آخرت است و میزان بهره‌مندی از آن متناسب با میزان بهره‌مندی از هدایت در دنیا است.

مناسب است که پس از بحث درباره شفاعت و طلب مغفرت به وسیله معصومین - علیهم السلام - به تأثیر حب و بغض ائمه - علیهم السلام - بر رد و قبول اعمال در آخرت نیز اشاره کنیم.

از جمله اعتقادات مذهب شیعه، ارتباط «ولایت و معرفت» ائمه با قبولی اعمال است بدان گونه که پاره‌ای از حسنات به دلیل نداشتن ولایت و حب اهل بیت - علیهم السلام - از فاعل آن پذیرفته نمی‌شود و برخی گناهان و سیئات دوستداران ائمه به سبب این ولایت و محبت بخشیده می‌شود. دامنه ولایت اهل بیت تا آنجا گسترده شده است که گفته‌اند: ایمان حاصل نشود مگر به ولایت علی و اوصیای او از معصومین - علیهم السلام - بلکه ایمان به خدا و رسول مقبول نشود بدون ولایت. آنگاه سؤال مطرح می‌شود چگونه ولایت و محبت اهل بیت می‌تواند جایگزین عمل صالح و موجب برائت از آتش و عذاب شود؟ و چرا بدون اظهار محبت ولایت نسبت به ایشان، حتی اعمال صالح نیز مقبول واقع نمی‌شود. تا اجر و ثوابی بر آن معصومین نرسد و ثمر اخروی دهد؟ چگونه می‌توان پذیرفت که اگر فاعل خیرات و حسنات، ولایت نداشته باشد، مثاب نخواهد بود، ولی اگر محب و موالی قلیل‌العمل هم باشد اجر و مزد بی حساب خواهد دید؟ آیا عادلانه است که اظهار ارادت و ابراز محبت کفایت از عمل نماید؟

حضرت امام برای پاسخگویی از سؤال فوق به عامل اساسی بهره‌مند شدن شیعیان و محبان از آثار اخروی ولایت ائمه - علیهم السلام؛ یعنی «پیروی عملی از آن بزرگواران» اشاره می‌کنند و در این باره توجه ما را به سیره و سنت خود آنها جلب می‌نمایند. ایشان می‌فرمایند: پیامبر اکرم و اهل بیت طاهرینش - علیهم السلام - تمامی عمر شریف خود را صرف بسط احکام و عقاید نمودند و در این راه از هیچ اقدامی باز نماندند؛ پس محب و شیعه آنها کسی است که عملاً از مقاصد و اهداف آنان پیروی نماید. اینکه در اخبار شریفه، اقرار به لسان و عمل به ارکان از مقومات ایمان شمرده‌اند بدان سبب است که حقیقت ایمان، ملازم با اظهار و عمل است.

امام بیان محبت و عمل بر طبق آن را لازم و ملزوم یکدیگر می‌شمارند و هیچ یک را بدون دیگری دارای ثمر و صاحب اثر نمی‌دانند، در جمله طبیعی‌عاشق اظهار عشق و

تغزل در شأن معشوق و عمل به لوازم ایمان و محبت نهفته است و اظهار محبت و ایمان به خداوند و اولیای او بدون التزام به عمل مطابق خواسته آنان، دعوی بی مغز و محبت بی ثمر است چنانچه در حدیث آمده: «شیعه کسی است که تبعیت کامل کند و الا مجرد دعوی تشیع، بدون تبعیت، تشیع نخواهد بود» و حضرت صادق - علیه السلام - فرمود: «کسی که مطیع خداوند است، دوست ماست و کسی که عصیان خداوند کند، دشمن ماست، و ولایت ما نیل نشود مگر به عمل و پرهیزکاری».

ویژگیهای این مجموعه:

این مجموعه در گروه معارف اسلامی حوزه معاونت پژوهشی مؤسسه تنظیم و نشر آثار حضرت امام (س) و با استناد به تمامی آثار مکتوب ایشان استخراج و تنظیم شده است و دارای ویژگیهای زیر می باشد:

■ این بحث در دو بخش و دوازده فصل گنجانده شده است و جهت درک بهتر و دقیقتر مطالب، مطالعه مقدمه کتاب ضروری است.

■ فهرست تفصیلی، فهرست آیات و روایات و فهرست مآخذ کلام حضرت امام و منابعی که در پاورقیها مورد استناد قرار گرفته، در پایان مجموعه ذکر شده است.

■ در تنظیم این مجموعه سعی بر ارائه تام مطالب هر عنوان با استفاده از مجموعه

آثار امام بوده است. آنچه در اینجا عرضه شده جامع و عصاره نظریات آن حضرت در هر مورد است که به صورت پراکنده یا نوشته‌ها یا بیاناتشان آمده و تلاش شده که تمامی نکات اصلی و نیز دیدگاههای خاص امام در هر عنوان خواننده عرضه شود، لذا با بررسی جمیع مطالب مربوط به یک عنوان، دست به گزینش زده نشده است. ممکن است خواننده و محقق محترم، در کتابهای حضرت امام به بیان دیگری از این مطالب برخورد نماید که ما صرفاً جهت پرهیز از تکرار از ذکر آن خودداری نموده ایم.

■ با اعانت و تفضل خداوند و تلاش محققان این مؤسسه، بخشهایی از مباحث فلسفی - کلامی مربوط به تقریرات درس اسفار حضرت امام در این مجموعه در اختیار مشتاقان قرار داده شده است.

لازم است ذکر شود که منبع اصلی «تقریرات درس اسفار» حضرت امام نوشته‌های یکی از حاضران درس ایشان (مرحوم حجت الاسلام والمسلمین ملا عبدالغنی اردبیلی (ره)) بوده که پس از انجام اصلاحات فنی و ادبی لازم مورد استفاده در مجموعه فعلی قرار گرفته است در اعمال اصلاحات مذکور، حداکثر تلاش جهت حفظ اصالت بیان و کلام امام صورت گرفته، لذا اگر در متون تقریرات اسفار، کاستیهایی از جنبه ادبی ملاحظه گردید ناشی از شرایط خاص تقریر متن اصلی است.

■ ترتیب فصول این مجموعه، و عناوین داخل هر فصل، با توجه به: الف - پیوستگی

معمول مطالب در بحث عدل (در کتب کلامی - فلسفی)؛ ب - مطالب موجود از حضرت امام و پیوستگی ملحوظ نظر ایشان، فراهم آمده، و از آنجا که ایشان به طور مستقل بحث عدل الهی را مکتوب نفرموده‌اند، بلکه به تناسب زمان، مکان و موضوع، در کتب یا بیانات خود به آن اشاره کرده‌اند، لذا ترتیب موجود با در نظر گرفتن دو معیار فوق از وضع و نظم مورد نظر گردآورندگان مجموعه تبعیت کرده است.

■ عنوان بخشها و فصول و قطعات منتخب، از حضرت امام نیست. در عین حال کوشش شده است از مطالب داخل هر قسمت برگزیده شود. بنابراین نمی‌توان این جمله‌های انتخابی را به حضرت امام نسبت داد و لازم است محققان در نقل مطالب آن دقت لازم مبذول فرمایند.

■ در برخی فصول صریحاً به شبهات وارده بر «عدل الهی» اشاره شده و سپس پاسخ بیان گردیده است. اما در بعضی موارد تنها پاسخ سؤال از جانب حضرت امام بیان شده، بدون اینکه تصریحی بر اصل سؤال شده باشد. از آنجا که بنای مجموعه کتب «تبیان» بر ارائه مطالب حضرت امام است، چیزی بر این اصل افزوده نشده و در موارد ضروری، مطلب در پاورقی شرح داده شده است.

در پایان لازم می‌دانیم از کلیه افرادی که ما را در تهیه این مجموعه یاری داده‌اند بویژه از تلاشها و کوششهای بی‌شائبه خواهر فروغ‌السادات رحیم‌پور، که با همت ایشان این مجموعه به ثمر رسیده است، تشکر کنیم.

معاونت پژوهشی

مؤسسه تنظیم و نشر آثار حضرت امام خمینی (س)